جمع‌بندی

کلمه‌ای در معنای **غیرحقیقی** به‌کار رود ← آرایهٔ **مجاز**
نشانه‌ای که به غیرحقیقی بودن معنا پی می‌بریم ← **قرینه**
ارتباط میان معنای حقیقی و غیرحقیقی ← **علاقه**

درس ۹

استعاره

درسنامه

فرض کنید در موقعیت بدی گیر افتاده‌اید؛ مثلاً سر کلاس آشوبی به پا کرده‌اید و معلم را به‌حدی عصبانی کرده‌اید که دفتر شما را احضار کرده! (اینجا «دفتر» مجاز از چیه؟!) و چون دفعهٔ اولتان هم نبوده، اوضاع حسابی «شیر تو شیر» است. در همین لحظه یکی از دبیرانتان (که احتمالاً دبیر ادبیات هست!) وساطت می‌کند و مدیر، معاون و معلم دیگر، این‌بار هم گذشت می‌کنند.
وقتی دارید این ماجرا را برای دوستانتان تعریف می‌کنید و می‌گویید که چه کسی نجاتتان داده، همان لحظه معلم ادبیاتتان را می‌بینید که در راهرو قدم می‌زند و شما به دوستانتان می‌گویید: «ایناها! فرشتهٔ نجات!» چه اتفاقی در پسِ ذهن شما افتاد که این ترکیب را برای دبیرتان به‌کار بردید؟
درست است! شما در ذهن خودتان، «دبیر» را به «فرشتهٔ نجات» **تشبیه** کردید؛ اما آیا گفته‌اید: «معلّم مثل فرشتهٔ نجات، به دادم رسید؟» نه!
شما تنها بخش دوم تشبیه؛ یعنی «مشبه‌به» را به‌کار برده‌اید.

خب حالا چی؟ هرگاه ما در ذهن خودمان چیزی را به چیز دیگری تشبیه کردیم؛ اما **یکی از ارکان اصلی تشبیه**؛ یعنی مشبه یا مشبه‌به را **حذف** نمودیم با آرایهٔ «**استعاره**» سروکار داریم.
این بیت را نگاه کنید:

«مـــرا بـــرف باریـــده بـــر پـــرّ زاغ نشـــاید چـــو بلبـــل تماشـــای بـــاغ»

شاعر می‌گوید که شایسته نیست که مانند بلبل باغ را تماشا کند. چرا؟ چون بر پر زاغِ شاعر برف باریده است. به نظرتان منظور از «پر زاغ» و «برف» چیست؟ قطعاً منظور شاعر این نیست که زاغی روی درختی نشسته و برف روی پرهای او باریده!
در اینجا شاعر «موهای سیاه» خود را به «پر زاغ» تشبیه کرده است. وقتی این تشبیه را درک کنیم، متوجه می‌شویم که منظور از «برف» هم «موهای سفید» است؛ پس در اینجا با دو تشبیه روبه‌رو هستیم:
۱. موهای سیاه ← پر زاغ
۲. موهای سفید ← برف
اما در این تشبیه‌ها بخش اول، یعنی مشبه نیامده است؛ بنابراین با «استعاره» روبه‌رو هستیم.

مشت نمونهٔ خروار

☆ «شـمس و قمرم آمد، سـمع و بصرم آمد وان سیم‌بَرَم آمد، وان کانِ (معدن) زرم آمد»

شاعر می‌گوید: خورشید و ماه من، گوش و چشم من، آن کسی که آغوشی (بر) از نقره دارد و معدن طلاست، آمد. منظور از این‌ها کیست که انقدر برای شاعر عزیز و مهم است؟ بله، معشوق!
در اینجا معشوق (مشبه) به شمس، قمر، سمع، بصر، سیم‌بَر و کان زر تشبیه شده است (مشبه‌به)؛ اما طرف مشبه حذف شده؛ بنابراین این واژگان همگی استعاره از معشوق هستند.

☆ «بخت آن نکند با من کان شـاخ صنوبر را بنشـینم و بنشـانم، گل بـر سـرش افشـانم»

قطعاً منظور شاعر این نیست که شاخه‌ای از درخت صنوبر را در جایی بگذارد (بنشاند!) و گل روی آن بریزد!
شاعر محبوب خود را به شاخه‌ای از درخت صنوبر (به‌خاطر راست‌قامتی و خوش‌قامتی) تشبیه کرده و در گفتار نهایی، طرف اول تشبیه (مشبه)، حذف و «**شاخ صنوبر**»، **استعاره‌ای** از «**محبوب**» شده است.

یک نکتهٔ ریز اگر به مثال‌های قبل توجه کرده باشید، حتماً متوجه شده‌اید که شباهت زیادی میان استعاره و مجاز وجود دارد؛ چون واژگان در معنای غیرحقیقی خود به‌کار رفته‌اند.
در همان مثال قبلی، «شاخ صنوبر» در معنای حقیقی خود؛ یعنی «شاخهٔ درخت صنوبر» به‌کار نرفته است. ← مجاز و ارتباطی که میان شاخ صنوبر و معنای غیرحقیقی آن (معشوق) وجود دارد، رابطهٔ شباهت است.
⇐ می‌توانیم بگوییم که استعاره‌های حاصل از حذف مشبه همگی مجاز با علاقهٔ شباهت هستند!

محک بزنیم

در ابیات زیر استعاره‌ها را مشخص کنید.

۱) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر — کای نور چشم من، به‌جز از کِشته ندروی
۲) ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم — اول و آخر این کهنه‌کتاب افتاده است
۳) باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است — شمشاد خانه‌پرور من از که کمتر است
۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید — در رهگذار باد، نگهبان لاله بود
۵) قضا چون ز گردون فروهِشت پر — همه زیرکان کور گردند و کر

یافته‌ها

۱) در مصراع دوم، «ای نور چشم من» در خطاب به «پسر» آمده؛ درواقع «پسر» به «نور چشم» تشبیه شده است.
در اینجا شاید از خودتان بپرسید که واژهٔ «پسر» در بیت آمده؛ یعنی حذفی صورت نگرفته تا آن را استعاره به حساب بیاوریم ...

یک نکتهٔ ریز خواستان باشد که ما استعاره را در قالب یک جمله بررسی می‌کنیم و به جمله‌های قبل یا بعد آن کاری نداریم. در این بیت جمله‌ها بدین‌گونه است:

دهقان سالخورده با پسر چه خوش گفت. ای نور چشم من! به‌جز از کِشته ندروی.
جملهٔ ۱ جملهٔ ۲ جملهٔ ۳

در جملهٔ دوم، خبری از «پسر» به‌عنوان «مشبه» نیست؛ تنها در جملهٔ قبل توضیح این آمده که منظور از نور چشم کیست. (درواقع یک جور کمک به‌حساب می‌آید.)

۲) در مصراع دوم واژهٔ «کهنه‌کتاب» با توجه به مصراع اول، استعاره از «جهان» است. (مانند مثال قبل، باید استعاره را در جمله‌ای مستقل بررسی کنیم.)

۳) شاعر می‌گوید: باغ من نیازی به درخت برای زیبایی ندارد؛ چراکه شمشادی که در خانهٔ من تربیت شده از تمام آن‌ها بهتر است؛ واقعاً منظور شاعر از «شمشاد خانه‌پرور» درخت شمشاد نیست که تازه آن را هم تربیت کند! پس منظور از «شمشاد»، «محبوب» است.

۴) به مصراع اول دقت کنید: هرکسی «مهر» «نکاشت» و از «خوبی» «گلی نچید».
مهر و محبت کاشتنی است؟! یا خوبی، گل دارد که بتوان از آن چید؟!
آن چیزی که کاشته می‌شود، «دانه» است و آنجایی که از آن گل می‌چینند «باغ» است؛ درواقع شاعر «مهر» را به «دانه» و «خوبی» را به «باغ» تشبیه کرده و بخش دوم تشبیه، مشبه‌به را حذف کرده است.
گفتیم که اگر هرکدام از رکن‌های اصلی، چه مشبه و چه مشبه‌به حذف شود؛ استعاره داریم.

۵) قضا (سرنوشت) زمانی که پر باز کرد (پرواز) کرد ... .
سرنوشت که واقعاً نمی‌تواند پرواز کند! پرنده است که پرواز می‌کند؛ بنابراین «قضا» در اینجا به «پرنده» تشبیه شده که پرنده به‌عنوان مشبه‌به حذف شده است.

داخل پرانتز احتمالاً با استعاره‌های پرکاربرد زبان فارسی آشنا هستید: سرو، ماه، غزال (استعاره از معشوق)، لعل، پسته، غنچه (استعاره از دهان)، کمان (استعاره از ابرو) اما این نکتهٔ مهم را به خاطر بسپارید که شرط استعاری بودن یک واژه، غیرحقیقی بودن معنای آن است؛ یعنی آن واژه حتماً به‌علت شباهت به‌جای لغت دیگر به کار رفته است و اگر کلمه در معنای حقیقی خود استفاده شده باشد دیگر استعاره نیست:

«تا قیامت می‌دهد گرمی به دنیا آتشم — آفتاب روشنم نسبت مکن با آتشم»

در این بیت واژهٔ «آتش» که یکی از استعاره‌های پرکاربرد شعر فارسی است به کار رفته است. در مصراع اول این واژه استعاره از اشتیاق و شور عشق دارد اما در مصراع دوم در معنای واقعی خود استفاده شده است.

انواع استعاره

اگر به استعاره‌های ابیات «محک بزنیم» نگاه دوباره‌ای بیندازید، متوجه می‌شوید که بعضی از استعاره‌ها با حذف مشبه و برخی دیگر با حذف مشبه‌به ساخته شده‌اند.

اگر رکن «مشبه» را **حذف** کنیم. ← استعارهٔ مصرحه
اگر رکن «مشبه‌به» را **حذف** کنیم. ← استعارهٔ مکنیه (پنهان)

یک نکتهٔ ریز معمولاً در «استعارهٔ مکنیه»، «مشبه» با «ویژگی‌های مشبه‌به» همراه است؛ مثلاً در جملهٔ «به صحرا شدم، عشق باریده بود.»، **باریدن** از ویژگی‌های «باران» است، نه عشق! از همین فعل «باریدن» متوجه می‌شویم که در پس ذهن، «عشق» به «باران» تشبیه شده است که بخش دوم حذف و ویژگی‌ای از آن آمده است.

حالا بیایید نگاهی به این ابیات و استعاره‌های آن‌ها بیندازیم:

«هر زمانی چنار سوی فلک — به مناجات دست بردارد»

اینکه «چنار»، «دست بردارد» (بلند کند) و مناجات کند؛ عادی نیست! درواقع «چنار» به «انسان» تشبیه شده که دعا می‌کند. در اینجا «مشبه» به‌همراه یکی از ویژگی‌های «مشبه‌به» یعنی «دست برای دعا برداشتن» آمده است. ← استعارهٔ مکنیه

۷۵۰. در کدام گزینه آرایهٔ تشبیه وجود ندارد؟

۱) در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود / کآغشته شد به آب محبت خمیر ما
۲) اگرچه از من مسکین، رقیب در خشم است / تو را نظر چو به عین رضاست، خرده مگیر
۳) طومار ندامت است طبع من / حرفی است هر آتشی ز طومارم
۴) دل من در هوس روی تو ای مونس جان! / خاک راهی است که در دست نسیم افتاده است

۷۵۱. در همهٔ ابیات؛ به‌جز ..... آرایهٔ تشبیه دیده می‌شود.

۱) بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر / کز آتش درونم دود از کفن برآید
۲) فراق یار که پیش تو کاه‌برگی نیست / بیا و بر دل من ببین که کوه الوند است
۳) مزرع عمر مرا آمده هنگام درو / خانه تاراج حوادث شده، جانم به گرو
۴) قامتش را سرو گفتم، سر کشید از من به خشم / دوستان! از راست می‌رنجد نگارم، چون کنم؟

۷۵۲. در همهٔ ابیات آرایهٔ تشبیه دیده می‌شود؛ به‌جز:

۱) شمعیم و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش / ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند
۲) یکی درخت گل اندر میان خانهٔ ماست / که سروهای چمن پیش قامتش پست‌اند
۳) ذرهٔ خاکم و در کوی توام جای خوش است / ترسم ای دوست! که بادی ببرد ناگاهم
۴) بادهٔ گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک / نُقلش از لعل نگار و نَقلش از یاقوت خام

۷۵۳. کدام بیت تشبیه ندارد؟

۱) گفتمش سلسلهٔ زلف بتان از پی چیست؟ / گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد
۲) تا سر زلف پریشان تو محبوب من است / روزگارم به سر زلف پریشان ماند
۳) ندا به ساقی سرمست گل‌عذار رسید / که طرف دشت چو رخسار سرخ مستان شد
۴) ما سپر انداختیم، گردن تسلیم پیش / گر بکشی حاکمی، ور بدهی زینهار

۷۵۴. در کدام بیت «تشبیه» به‌کار رفته است؟

۱) سری که بر سر گردون به فخر می‌سودم / به راستان که نهادم بر آستان فراق
۲) به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ / به دست هجر ندادی کسی عنان فراق
۳) ز سوز شوق دلم شد کباب دور از یار / مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
۴) دریغ مدت عمرم که بر امید وصال / به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق

۷۵۵. در همهٔ گزینه‌ها؛ به‌جز ..... ادات تشبیه ذکر شده است.

۱) گرم در خواب بنمایی رخ چون شعله رخشانت / به خاک پایت ای دلبر که سر بازم چو پروانه
۲) چشم آهووشش به مخموری / رنگ از خون شیر می‌ریزد
۳) چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم / شبم به روی تو روشن چو روز می‌گردید
۴) چو آفتاب رخ تو بتافت بر رخ من / گمان فتاد رخم را که هم‌عذار توام

۷۵۶. در همهٔ گزینه‌ها؛ به‌جز ..... همهٔ پایه‌های تشبیه ذکر شده است.

۱) چو آینه‌ست و ترازو خموش و گویا یار / ز من رمیده که او خوی گفت‌وگو دارد
۲) چو دریای خون شد همه دشت و راغ / جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
۳) ای شاهد افلاکی، در مستی و در پاکی / من چشم تو را مانم، تو اشک مرا مانی
۴) چون شبنم اوفتاده بُدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۷۵۷. «وجه‌شبه» در گزینهٔ ..... آورده شده است.

۱) تنت را دید گل، گویی که در باغ / چو مستان جامه را بدرید بر تن
۲) ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند / یار مه‌روی مرا نیز به من بازرسان
۳) گفت حافظ! من و تو محرم این راز نه‌ایم / از می لعل حکایت کن و شیرین‌دهنان
۴) در طبع شهریار خزان شد بهار عشق / زیرا تو خرمن گل و ریحان نیامدی

۷۵۸. در کدام گزینه همهٔ پایه‌های تشبیه وجود دارد؟

۱) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد / ساقی به دور بادهٔ گلگون شتاب کن
۲) یا بهار عمر من رو به خزان خواهد نهاد / یا نهال قامت او را به بر خواهم گرفتم
۳) مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم / که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
۴) شاکرم شاکر اگر زهر پیاپی بخشد / خوش‌دلم خوش‌دل اگر نیش دمادم دارد

۷۵۹. در کدام گزینه هر چهار پایهٔ «تشبیه» وجود ندارد؟

۱) شبی چون شبه روی شسته به قیر / نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر
۲) به کارخانهٔ یکتایی این چه استغناست / جهان جلوه‌ای و جلوه روبه‌روی تو نیست
۳) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
۴) گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه / یا هرچه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن

۷۶۰. **در منظومهٔ زیر چند تشبیه وجود دارد؟** (تجربی ۹۴)

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون/ مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون/ کجا شهد است این اشکی که در هر دانهٔ لفظ است/ مرا این، کاسهٔ خون است/ چنین آسان منوشیدش»

۱) سه ۲) چهار
۳) پنج ۴) شش

۷۶۱. **کدام بیت آرایهٔ تشبیه بیشتری دارد؟**

۱) به خنده‌ای به بت بادام‌چشم شیرین‌لب / شکر بریزد از آن پستهٔ دهان که تو راست
۲) دل که از ناوک مژگان تو در خون می‌گشت / باز مشتاق کمان‌خانهٔ ابروی تو بود (ناوک = نیزهٔ کوتاه)
۳) دجلهٔ اشک از بهار شوق طغیان کرده است / رازهای سینه را خاشاک طوفان کرده است
۴) ماهی که دوش خرمن صبرم به باد داد / امروز برق عشق زد آتش به خرمنش

۷۶۲. **کدام گزینه تعداد درستی از مشبه‌به‌ها را نشان می‌دهد؟**

الف) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد: باد صبا
ب) زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید / فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان: گوهر
پ) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت: دفتر
ت) سعدیا، گر بکند سیل فنا خانهٔ عمر / دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست: عمر
ث) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی: کیمیا
ج) سنگ سراچهٔ دل به الماس آب دیده می‌سفتم: سنگ

۱) سه ۲) یک
۳) چهار ۴) دو

۷۶۳. **دربارهٔ ارکان تشبیه در کدام بیت اطلاعات درستی داده شده است؟**

۱) دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی / کز عکس روی او شب هجران سرآمدی (شب: مشبه‌به)
۲) دوش دست طربم سلسلهٔ شوق تو بست / پای خیل خردم لشکر غم از جا برد (سلسله: مشبه)
۳) ماجرا کم کن و بازآ که مرا مردم چشم / خرقه از سر به درآورد و به شکرانه بسوخت (مردم: مشبه‌به)
۴) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش / بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش (جفا: مشبه)

۷۶۴. **تعداد تشبیه‌ها در تمام گزینه‌ها؛ به‌جز ..... یکسان است.**

۱) لبان لعل چون خون کبوتر / سواد زلف چون پر پرستو
۲) رشتهٔ صبرم به مقراض غمت ببریده شد / همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
۳) رخ گل را که عکس روی یار است / هوا مشاطه آب آیینه‌دار است
۴) کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی / فتاد زورق صبرم ز بادبان فراق

۷۶۵. **در کدام بیت، طرفین تشبیه، فقط یک کلمه نیست؟** (انسانی ۸۴)

۱) خداوندا شبم را روز گردان / چو روزم بر جهان پیروز گردان
۲) شبی دارم سیاه از صبح نومید / در این شب روسپیدم کن چو خورشید
۳) ندارم طاقت این کورهٔ تنگ / خلاصی ده مرا چون لعل از این سنگ
۴) چو برزد آتش مشرق زبانه / ملک چون آب شد ز آنجا روانه

۷۶۶. **آرایهٔ تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟**

۱) عشق به تاراج داد رخت صبوری دل / می‌نکند بخت شور، خیمه ز پهلوی من
۲) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشتهٔ خویش آمد و هنگام درو
۳) زیادتی مطلب کار بر خود آسان کن / صراحی می لعل و بتی چو ماهت بس
۴) چون در شوی در باغ دل، مانند گل خوشبو شوی / چون بر پری سوی فلک، همچون ملک مه‌رو شوی

۷۶۷. **واژهٔ «آفتاب» رکنی از تشبیه بیت زیر است. این واژه در همهٔ گزینه‌ها؛ به‌جز ..... نیز همان رکن از تشبیه محسوب می‌شود.**

«چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید / ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید»

۱) ماه خورشیدنمایش ز پس پردهٔ زلف / آفتابی است که در پیش سحابی دارد
۲) چو آفتاب رخ تو بتافت بر رخ من / گمان فتاد رخم را که هم‌عذار توام
۳) عکس خوی بر عارضش بین کآفتاب گرم‌رو / در هوای آن عرق تا هست هرروزش تب است
۴) ز مشرق سر کو آفتاب طلعت تو / اگر طلوع کند طالعم همایون است

۷۶۸. **در کدام بیت، هر چهار پایهٔ «تشبیه» ذکر شده است؟**

۱) مرا ستارهٔ صبحی که هرچه کوشیدم / شد آخر از نظرم ناپدید، مادر بود
۲) بی‌تأمّل دم مزن کز لب گهر می‌ریزدش / چون صدف هرکس سخن را در دهن می‌پرورد
۳) آب چشم و جان شیرین را کجا دارد دریغ؟! / هرکه او را چون خیال دوست مهمانی بود
۴) چو پیلی به اسب اندر آورد پای / بیاورد چون باد لشکر ز جای

۱۰۵۶. **از دیدگاه تاریخ ادبیات همهٔ موارد ذکرشده درست است، به‌جز:**
۱) کلیم کاشانی در غزل‌سرایی مشهور است و لقب «خلاق‌المعانی ثانی» را به‌دلیل مضمون‌های ابداعی به دست آورده است.
۲) مرصادالعباد در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشته شده و دارای سجع و موازنه است.
۳) «حبیب‌السیر» و «احسن‌التواریخ» هر دو از نمونه‌های نثر بینابین در سبک هندی است.
۴) ظهیرالدین بابر، کلیله و دمنه را به انشای دورهٔ خود بازگرداند و آن را «انوار سهیلی» نامید.

۱۰۵۷. **سرایندهٔ کدام بیت نادرست ذکر شده است؟**
۱) آتش است آب دیدهٔ مظلوم / چون روان گشت، خشک و تر سوزد (پروین اعتصامی)
۲) ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد / من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار (عرفی شیرازی)
۳) تو این عهدی که با من بسته بودی / مگر بهر شکستن بسته بودی (طالب آملی)
۴) دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید / کز یکدگر گشایی زلف گره‌گشا را (فروغی بسطامی)

۱۰۵۸. **سبک به‌کاررفته در کدام مورد متفاوت است؟**
۱) گر دهر هست سرکش با تو کند تواضع / ور چرخ هست توسن با تو کند مدارا
۲) اسیر توست به خاک اندرون مخالف تو / همی ز خاک به آتش برند اسیر تو را
۳) در جهان تیر و کمان گر قلم فرخ توست / پشت دشمن چو کمان دارد و خود چون تیر است
۴) سایهٔ قد تو بر قالبم ای عیسی‌دم / عکس روحی است که بر عظم رمیم افتاده است (عظم رمیم = استخوان پوسیده)

۱۰۵۹. **ویژگی‌های «ادبی» سبک هندی در همهٔ ابیات زیر دیده می‌شود؛ به‌جز:**
۱) کام‌جویی غیر ناکامی ندارد حاصلی / در کف گلچین ز گلشن خار می‌ماند به‌جا
۲) ببین به ساز و مپرس از ترانه‌ای که ندارم / توان به دیده شنیدن فسانه‌ای که ندارم
۳) نعت هر کس را همی یکسان شود اصل سخن / چون به نعت او رسد اصل سخن دیگر شود
۴) صبح از جان‌های روشن یاد می‌آید مرا / شام از تاریکی تن یاد می‌آید مرا

۱۰۶۰. **وزن بیت زیر با کدام گزینه یکسان است؟**
«آنچه ز توست حال من گفت نمی‌توانمش / چون تو به من نمی‌رسی من به تو چون رسانمش»
۱) ما بنده او سلطان ما حکمش روان بر جان ما / هست آن او نی آن ما هر چیز کز ما می‌برد
۲) فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان / لب بگشا که می‌دهد لعل لبت به مرده جان
۳) من تحفه از دل می‌کنم نزدیک جانان می‌برم / ور نیز گوید جان بده من بنده فرمان می‌برم
۴) با چشم پر نیرنگ او حافظ مکن آهنگ او / کان طرّهٔ شبرنگ او بسیار طراری کند

۱۰۶۱. **وزن کدام مصراع «غلط» ذکر شده است؟**
۱) چند خواهی پیرهن از بهر تن: – U – – / – U – – / – U –
۲) چو بادام و جوزش نهی در کنار: U – – / U – – / U – – / U –
۳) شوق رخت پردهٔ عقلم درید: – U – U / – U – U / – U –
۴) تو گفتی رسته از مژگانش خنجر: U – – – / U – – – / U – –

۱۰۶۲. **کدام بیت فاقد وزن دوری است؟**
۱) هست از دو کعبه امروز دین خدای خرسند / کز فر آن دو کعبه است شاخ هدی برومند
۲) زمزمه هر دمم به لب از پی جام پر ز می / وسوسه بی‌حدم بدل از غم یار نازنین
۳) ای کعبه به ما از ما نزدیک‌تری اما / در چشم شترداران دور است بیابانت
۴) چرا از کعبه برگردم که گر خاری بود در ره / برآرم آه و در یک‌دم بسوزانم مغیلان را

۱۰۶۳. **با توجه به مباحث عروض و قافیه، کدام گزینه در مورد بیت زیر نادرست است؟**
«در شهر بی‌نشانان سلطان چه حکم داند / در ملک بی‌زبانان فرمان چه کار دارد»
۱) بیت دارای یک هجای کشیده است.
۲) وزن بیت دوری است.
۳) هجای آغازین هر دو مصراع بلند است.
۴) بیت فاقد حذف همزه است.

۱۰۶۴. **کدام آرایه‌ها در بیت زیر به کار رفته است؟**
«دل پس از طوف حرم بر در میخانه نشست / هر کجا شیشهٔ می دید چو پیمانه نشست»
۱) جناس – تشبیه – ایهام – مجاز
۲) تشبیه – کنایه – جناس – ایهام
۳) کنایه – مجاز – تناسب – استعاره
۴) استعاره – جناس – تشبیه – مجاز

۱۰۶۵. **مجموعاً چند «تشبیه» در ابیات زیر دیده می‌شود؟**
الف) موج می تیغ است بر وی جلوهٔ گل آتش است / هر کجا طبع بلند از دهر بی‌حاصل گرفت
ب) دل که چون نرگس مستت به شراب افتاده است / دفتر معرفت ماست در آب افتاده است
پ) ز اشک و چهره در عشقت همه سال / به سیم و زر تجمل می‌توان کرد
ت) عشق با سیلاب پنداری ز یک سرچشمه است / جای خود ویران کند هر جا دمی منزل گرفت
۱) ۸
۲) ۹
۳) ۷
۴) ۶

گزینهٔ «۳»: مشبه: خیال دوست / مشبه‌به: مهمان / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: –
گزینهٔ «۴»: مشبه: او / مشبه‌به: پیل، باد / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: –

۷۶۹. **گزینهٔ ۳** مشبه: زلف / مشبه‌به: کمند / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: –
حواستان باشد! در گزینهٔ «۱»، پسوند «وار» که شباهت را می‌رساند، «ادات تشبیه» است.

۷۷۰. **گزینهٔ ۴** در این بیت «پیچیدن» وجه شبه است؛ ویژگی مشترک بین کس و موج، پیچیدن است.

۷۷۱. **گزینهٔ ۱** تشبیه‌هایی که در این بیت به‌کار رفته:
۱. آتشِ آه ← اضافهٔ تشبیهی (فقط رکن مشبه و مشبه‌به را داریم!)
۲. روزم چو شب ← مشبه: روز / مشبه‌به: شب / ادات: چو / وجه‌شبه: –
۳. شبم چون روز ← مشبه: شب / مشبه‌به: روز / ادات تشبیه: چون / وجه‌شبه: –

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۲»: برای پیداکردن مشبه در این بیت، مانند روش پیداکردن نهاد عمل می‌کنیم.
چه‌کسی در دام آورد؟! ← مشبه: او (معشوق) / مشبه‌به: صیادان / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: در دام آوردن (چون از ویژگی‌های صیاد، به دام انداختن است).
گزینهٔ «۳»: مشبه: من / مشبه‌به: لاله / ادات تشبیه: چون / وجه‌شبه: خونین‌دل بودن
گزینهٔ «۴»: مشبه: خود / مشبه‌به: عنکبوت / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: تار تنیدن

۷۷۲. **گزینهٔ ۳** از روش پیداکردن نهاد استفاده می‌کنیم:
چه‌کسانی به‌کردار صدف گرد بر گردش [بودند]؟ آن‌ها = مشبه که در جمله ذکر نشده است.

۷۷۳. **گزینهٔ ۴** تشبیهات این بیت:
۱. مرغِ دل ← «دل» به «مرغ» (پرنده) تشبیه شده است.
۲. دامِ زلف ← تشبیه «زلف» به «دام»
۳. دانهٔ خال ← تشبیه «خال» صورت به «دانه»
۴. طایر اندیشه ← تشبیه «اندیشه» به «طایر» (پرنده)
۵. دام هوس ← تشبیه «هوس» به «دام»

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: خار بلا ← تشبیه «بلا» به «خار» / گل‌چهره ← تشبیه «چهره» به «گل»
گزینهٔ «۲»: سیل اشک ← تشبیه «اشک» به «سیل»
گزینهٔ «۳»: سروی است قامت تو ← تشبیه «قامت تو» به «سرو» / ماهی است عارض تو ← تشبیه «عارض تو» به «ماه»

۷۷۴. **گزینهٔ ۲** ۱. به‌سان خاک ۲. چو جان ۳. چو عقل
حواستان باشد! وقتی یک مشبه، به دو یا چند مشبه‌به تشبیه می‌شود، به تعداد مشبه‌به‌ها، تشبیه داریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: دانهٔ خال ← تشبیه «خال» به «دانه» / مرغ خرد ← تشبیه «خرد» به «مرغ»
گزینهٔ «۳»: «دیده» به «طاووس» تشبیه شده است.
گزینهٔ «۴»: چنبر عشق ← تشبیه «عشق» به «چنبر» / ریسمان فراق ← تشبیه «فراق» به «ریسمان»

۷۷۵. **گزینهٔ ۳**
۲ تشبیه ← ۱. تشبیه «گل» به «یوسف»
۲. تشبیه «عالم پیر» به «زلیخای جوان»

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: تشبیه «چشم» به «نرگس» / تشبیه «روی» به «گل» / تشبیه «قامت» به «شمشاد»
گزینهٔ «۲»: تشبیه «من» به «ستون» / تشبیه «غم» به «خانه» / تشبیه «غم» به «بار»
گزینهٔ «۴»: تشبیه «تو» به ۱. سرو جویبار ۲. لالهٔ بهار ۳. حور دلربا

۷۷۶. **گزینهٔ ۲** تشبیهات:
۱. عقاب جور ← تشبیه «جور» به «عقاب»
۲. تیر آه ← تشبیه «آه» به «تیر»
۳. کمان گوشه‌نشینی ← تشبیه «گوشه‌نشینی» به «کمان»

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: تشبیه «زلف» به «کمند»، «ابرو» به «کمان»، «قامت» به «سرو»، «روی» به «بهار» ← ۴ تشبیه
گزینهٔ «۳»: تشبیه «من» به «خار» و «خاک»، «تو» به «آفتاب» و «ابر» ← ۴ تشبیه
گزینهٔ «۴»: تشبیه «زلف» به «شب»، «لحظه» به «روز»، «روز» به «هفته»، «هفته» به «ماه» ← ۴ تشبیه

۷۷۷. **گزینهٔ ۴** بیت فقط یک تشبیه دارد: تشبیه «ما» به «در مکنون»

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: ۱. «ایام گل» ← به «رفتن عمر» تشبیه شده است.
۲. «بادهٔ گلگون» ← «باده» از نظر سرخی به «گل» تشبیه شده است («گون» را می‌توان ادات تشبیه به‌حساب آورد).
گزینهٔ «۲»: ۱. «خورشید عشق» ← تشبیه «عشق» به «خورشید»
۲. «نور عشق» ← تشبیه «عشق» به «نور»
گزینهٔ «۳»: تشبیه «من» به
شعاع آفتاب
عقیق
زر
یاقوت

۷۷۸. **گزینهٔ ۴** در «اضافهٔ تشبیهی» باید بتوان گفت که «مضاف‌الیه» **مانند** «مضاف» است.
با این روش، تنها ترکیب‌های گزینهٔ «۴» همگی رابطهٔ همانندی را دارند.

۷۷۹. **گزینهٔ ۲** بررسی همهٔ گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»:
۱. تشبیه «رفتار» (راه رفتن) به «سرو»
۲. تشبیه «قامت» به «صنوبر»
۳. تشبیه «رخسار» به «ماه»
۴. تشبیه «منظر» به «ملایک»
گزینهٔ «۲»:
۱. تشبیه «بر» دلدار به «سمن»
۲. تشبیه «رخ» دلدار به «گل»
۳. تشبیه «دلدار» به «صنم»
گزینهٔ «۳»:
۱. تشبیه «فرّ» معشوق به «هما»
۲. تشبیه «حسن» معشوق به «طاووس»
۳. تشبیه «نطق» معشوق به «طوطی»
۴. تشبیه «رفتار» و «حرکت» معشوق به «تذرو»
گزینهٔ «۴»:
۱. تشبیه «زلف» معشوق به «بنفشه»
۲. تشبیه «بر» معشوق به «نسرین»
۳. تشبیه «معشوق» به «سمن‌بو»
۴. تشبیه «حسن» معشوق به «ماه»

۷۸۰. **گزینهٔ ۳** در این بیت اصلاً آرایهٔ «تشبیه» به‌کار نرفته است. «چو» در معنای «وقتی‌که» است.

۷۸۱. **گزینهٔ ۱** در «تشبیه گسترده» هر چهار رکن یا سه رکن تشبیه باید ذکر شده باشند.
در گزینهٔ «۱» تشبیه «شراب عشق» تنها **دو رکن** مشبه و مشبه‌به را دارد؛ بنابراین «**تشبیه فشرده**» است.

۷۸۲. **گزینهٔ ۳** در این بیت «تشبیه» به‌کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: «ضمیر دوست» به «جام جهان‌نما» تشبیه شده است. «ادات» و «وجه شبه» در بیت دیده نمی‌شود. ← تشبیه فشرده و چون به‌صورت جملهٔ اسنادی آمده ← تشبیه فشردهٔ (بلیغ) اسنادی

۱۰۵۵. **گزینهٔ ۲** «مکاتیب» و «مجالس سبعه» هر دو از مولوی، «نفحات‌الانس» و «تحفةالاحرار» هر دو از جامی، «رسالهٔ دلگشا» و «صد پند» از عبید زاکانی و «عشاق‌نامه» و «لمعات» اثر فخرالدین عراقی است.

۱۰۵۶. **گزینهٔ ۴** «ملاحسین واعظ کاشفی» در قرن‌های هفتم و هشتم کلیله و دمنه را بازنویسی کرد و آن را انوار سهیلی نامید.

۱۰۵۷. **گزینهٔ ۱** این بیت از «سیف فرغانی» است.
توصیهٔ ما به شما: به نام سرایندگان و نویسندگان آثار در خودارزیابی‌های کتاب درسی دقت کنید.

۱۰۵۸. **گزینهٔ ۴** در سه گزینهٔ اول سبک ابیات، خراسانی است اما در بیت گزینهٔ چهارم سبک عراقی مشهود است.
در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» شاعر به مدح سلطان و ممدوح خویش پرداخته است که از مضامین مهم سبک خراسانی است. در بیت گزینهٔ «۱» قدرتمندی و اثرگذاری ممدوح، در گزینهٔ «۲» جنگاوری و قدرتمندی ممدوح و در گزینهٔ «۳» رزم‌آوری او مورد تحسین قرار گرفته است. همان‌طور که می‌بینید این ویژگی کاملاً «عینی و مادی» است. اما در گزینهٔ «۴» قدرت جان‌بخشی معشوق مورد ستایش است که امری ذهنی و غیرواقعی است. همچنین جنبهٔ زمینی یا الهی بودن معشوق بیت گزینهٔ «۴» بر ما پوشیده است. از سوی دیگر به کار گرفتن ترکیب عربی «عظم رمیم» اشارهٔ خوبی به ویژگی‌های زبانی سبک عراقی است.

۱۰۵۹. **گزینهٔ ۳** سادگی و برکنار بودن این بیت از آرایه‌های ادبی یادآور سبک خراسانی است.
در سایر ابیات ویژگی‌های ادبی سبک هندی به این ترتیب است:
گزینهٔ «۱»: استفاده از آرایهٔ «اسلوب معادله»
گزینهٔ «۲»: استفاده از «حس‌آمیزی» در ترکیب «شنیدن با کمک دیده (چشم)»
گزینهٔ «۴»: استفاده از ردیف‌های شعری طولانی: یاد می‌آید مرا

۱۰۶۰. **گزینهٔ ۲** چینش هجاها در بیت صورت سؤال و گزینهٔ «۲» هر دو به این صورت است: ⏑ – – / ⏑ – ⏑ / – ⏑ – / – ⏑ – ⏑
اما در سایر گزینه‌ها رکن «– – ⏑ –» به‌صورت کامل و چهار بار تکرار شده: «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن»

۱۰۶۱. **گزینهٔ ۳**

شو	قِ	رُ	خَت	پَر	دِ	یِ	عَق	لَم	دَ	رید	
–	U	U	–	–	U	U	–	–	U	–	

نکته مصوت «شو» در واژهٔ «شوق» را بلند در نظر بگیرید. وزن در سایر گزینه‌ها به‌درستی ذکر شده است.

۱۰۶۲. **گزینهٔ ۴** وزن این بیت از چهار بار تکرار رکن «مفاعیلن» تشکیل شده و فاقد وزن دوری است.
وزن دوری در سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
گزینهٔ «۲»: مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن
گزینهٔ «۳»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۰۶۳. **گزینهٔ ۱** بیت دو هجای کشیده دارد:

حکم:	حُک	م
کار:	کا	ر

وزن بیت دوری است: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن / هر دو مصراع با هجای بلند «دَر» آغاز شده است. / بیت فاقد حذف همزه است.

۱۰۶۴. **گزینهٔ ۴** استعاره: طواف کردن دل و نشستن آن: استعارهٔ مکنیه و تشخیص / مجاز: «شیشه» مجاز از جام می است. علاقهٔ به‌کاررفته در این مجاز، «جنسیت» است. / تشبیه: دل چو پیمانه / جناس: «بر» و «در»

۱۰۶۵. **گزینهٔ ۲** ۱- موج می / ۲- موج می همچون تیغ / ۳- جلوهٔ گل همچون آتش / ۴- دل چون نرگس مست (چشم) / ۵- دفتر معرفت / ۶- دل که به هوای شراب افتاده همچون دفتری است که بر آب افکنده شده: تشبیه مرکب / ۷- اشک چون سیم / ۸- چهره چون زر / ۹- عشق پنداری سیلاب است.
ادات تشبیه

۱۰۶۶. **گزینهٔ ۱** در این بیت «جیب تفکر» استعارهٔ مکنیه است، همچنین در مصراع دوم «سر به گریبان کشیدن جرس» تشخیص و استعارهٔ مکنیه دارد. «سر به گریبان کشیدن» نیز کنایه از عزلت‌گزینی است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۲»: در این گزینه تنها یک استعاره وجود دارد: «بتان» استعاره از زیباروبان، کنایه: «قمار باختن» کنایه از «از دست دادن»
گزینهٔ «۳»: این بیت استعاره ندارد. دو کنایه در بیت دیده می‌شود. «تنگ آمدن حوصله» کنایه از «از دست دادن طاقت» و «تیر به سنگ آمدن» کنایه از «دست نیافتن به هدف»
گزینهٔ «۴»: در این بیت تنها یک استعاره به کار رفته: «درِ دل»، کنایه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

۱۰۶۷. **گزینهٔ ۳** در این بیت تکرار صامت «ب» و «گ» در مصراع اول دیده می‌شود. اما واژگان در معنای واقعی خود به کار رفته‌اند و مجازی ایجاد نکرده‌اند.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: مرغ دل: تشبیه - کف: مجاز از کل پنجهٔ دست
گزینهٔ «۲»: طایر معنی: اضافهٔ تشبیهی - «خون در جگر کردن» کنایه از عذاب دادن
گزینهٔ «۴»: تشبیه مرجّح: رخ تو از گل هم زیباتر است. - استعاره: چشم رخنهٔ دیوار

نکته دقت کنید در گزینهٔ «۱» منظور از «کاغذ باد»، کاغذ بادبادکی است.

۱۰۶۸. **گزینهٔ ۳** آرایه‌های مشترک بیت صورت سؤال و گزینهٔ «۳» **تشبیه** و **کنایه** است.
بیت صورت سؤال: دل من (شاعر) چون لاله - «چشم داشتن» کنایه از انتظار داشتن / گزینهٔ «۳»: دختر رز چون آدم - «جرم بر گردن گرفتن» کنایه از پذیرفتن جرم
بررسی آرایهٔ سایر گزینه‌ها:
گزینهٔ «۱»: «دیدهٔ امید»: استعاره - «دیده سفید شدن»: کنایه از کور شدن و «چشم داشتن» کنایه از توقع داشتن. این بیت با «تشبیه» رد می‌شود.
گزینهٔ «۲»: «نخل عیش» اضافهٔ تشبیهی - «گل» در مصراع دوم استعاره از منفعت و سود است. این بیت با کنایه رد می‌شود.
گزینهٔ «۴»: «دل از هم گشتن» کنایه از بی‌مهری به یکدیگر. این بیت نیز با تشبیه رد می‌شود.

۱۰۶۹. **گزینهٔ ۴** این بیت «بی‌قراری قلب عاشق برای رسیدن به محبوب» را به تصویر کشیده، درصورتی‌که در سایر ابیات مفهوم «قطع تعلق از اسباب دنیوی» دیده می‌شود.
واژه‌های تداعی‌کننده: گزینهٔ «۱»: تو مرغ چارپری، با بام و نردبام کاری نداری. / گزینهٔ «۲» ز جان و تن برهیدی / گزینهٔ «۳»: سبک‌تر پیاده شو، بر تن سوار مباش.

۱۰۷۰. **گزینهٔ ۲** مفهوم مشترک ابیات «الف» و «ت»: جلوه‌گر شدن یار (خداوند) در پدیده‌ها.
واژه‌های تداعی‌کننده: بیت «الف»: آفتاب و مه از نور او سخا می‌یابند. بیت «ت»: تو آفتابی که در هزار آبگینه (شیشه) پدیدار شده‌ای.
مفهوم سایر ابیات: بیت «ب»: عظمت خدا و درک محدود انسان / بیت «پ»: توصیف عاشقی و رسیدن به فنا

۱۰۷۱. **گزینهٔ ۲** کلید فهم این بیت واژهٔ «رعونت» است. این کلمه به معنی «مغرور شدن» به کار رفته و دانستن معنای آن در فهم بیت به ما کمک می‌کند: گوشه‌نشینی، غرور نفس می‌آورد همان‌طور که ادعا و گردن‌فرازی سگ نشسته از ایستاده بیشتر است.
مفهوم بیت: توصیه به ترک عزلت

۱۰۷۲. **گزینهٔ ۱** بیت «ب»: عالم از نور روی تو روشنی یافت = عنایت عشق / بیت «ت»: جان از عهد الست (از ازل) با جانان در وحدت است. = ازلی بودن عشق / بیت «الف»: عشق تو کف بزند، صد عالم نو ایجاد می‌کند = قدرت عشق / بیت «پ»: با سوز عشق جهان کفر و ایمان را بر هم زن = از کفر و ایمان بگذر = پاکبازی در راه عشق